

بررسی تأثیرپذیری رمان «سال‌های ابری» از رمان‌های «مادر» و «ژرمینال»

صبا نصری پشت دربندی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد کرمانشاه.

Email: a.d.l.v.30.1399@gmail.com

چکیده

هر متنی به صورت تفکیک‌ناپذیری با متن‌های دیگر از لحاظ مضمون و محتوا یا ساختار تداخل پیدا می‌کند. از نگاه بینامتنیت، متون ادبی، یک‌باره آفریده نمی‌شوند و در آفرینش یک متن تازه، همواره دیگر متن‌ها نیز دخالت دارند و به نوعی شریک هستند. بنابراین، هر متنی ناگزیر از ارتباط با متون قبلی است. رمان «سال‌های ابری» اثر علی‌اشرف درویشیان یکی از متن‌های ادبی است که اعتقاد نگارنده بر آن است؛ این متن، علی‌رغم اینکه زندگینامه خودنوشت درویشیان است؛ اما با متن‌های پیش از خود از جمله رمان‌های «مادر» و «ژرمینال» پیوند دارد. پژوهش حاضر با رویکردی تو صیفی-تحلیلی مؤلفه‌های تأثیرپذیری رمان سال‌های ابری درویشیان را از رمان‌های مادر و ژرمینال بررسی کرده است. دستاورد پژوهش بیانگر آن است که علی‌اشرف درویشیان در نگارش رمان سال‌های ابری به متن‌های پیش از خود از جمله آثار نویسندگان روسی از جمله ماکسیم گورکی نظر داشته است. افزون بر این نباید از تأثیرگذاری برجسته رمان ژرمینال اثر امیل زولا غافل ماند. اما باید اشاره کرد که مهم‌ترین جنبه بینامتنی رمان سال‌های ابری با متون مذکور از نظر محتواست. رمان سال‌های ابری نیز مانند این متون به طبقات فرودست جامعه پرداخته است.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، ادبیات تطبیقی، علی‌اشرف درویشیان، سال‌های ابری.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

سال‌های ابری یکی از آثار شاخص داستانی مکتب داستان‌نویسی غرب ایران است که علی‌اشرف درویشیان در قالب اتوبیوگرافی (زندگی‌نامه خودنوشت) ضمن بیان جزئیات زندگی خویش، بسیاری از وقایع سیاسی و اجتماعی کرمانشاه را در دهه‌های چهل و پنجاه به تصویر کشیده است. بنابراین می‌توان گفت این اثر داستانی یکی از مهمترین سندهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کرمانشاه است، زیرا وی علاوه بر اینکه بسیری از وقایع آن سال‌ها را بازگو کرده، توانسته است بسیاری از باورهای فرهنگی و اجتماعی مردمان غرب ایران را بازتاب دهد.

علی‌اشرف درویشیان در نگارش رمان سال‌های ابری تحت تأثیر نویسندگان پیش از خود قرار گرفته است. وی در یکی از مصاحبه‌هایش که سال ۱۳۸۶ انجام شده است ولی انتشار آن مربوط به سال ۱۳۹۶ در روزنامه ایران، است به این نکته اشاره دارد و در جواب سوالی که از ایشان می‌شود؛ مبنی بر چرایی روی آوردن درویشیان به داستان بلند سال‌های ابری با وجود داشتن تجربه زیاد در نوشتن داستان کوتاه می‌گوید: «سال ۱۳۵۵ در زندان قاصدمیرزا که رمان «پا برهنه‌ها» اثر «زاهاریا استانکو» با ترجمه زنده یاد «احمد شاملو» به زندان آمد و خواندیم و خیلی از آن لذت بردیم. روزی یکی از دوستانم پیش من آمد و گفت «درویشیان شما باید رمان بنویسید». از همان لحظه به سراغ این مسئله رفتم. سبک «پا برهنه‌ها» با ترجمه بسیار زیبایی «شاملو» روی من خیلی تأثیر گذاشت و دریافتم که من هم باید صادقانه و روشن حرف‌هایم را بزنم» (شکری‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳).

افزون بر این، ادبیات از ماهیتی پویا و فعال برخوردار است و در مسیر این پویایی به ناچار، مجبور به اقتباس، تأثیرپذیری، تأثیرگذاری، ترکیب و بازآفرینی می‌گردند. از این رو، با قاطعیت می‌توان ادعا کرد؛ آثاری که در گستره ادبیات خلق می‌شوند، همواره با یکدیگر تعامل دارند و خلق هر اثر ادبی و هر متنی متکی بر میراث ادبی گذشته و متن‌های پیش از خویش، انجام می‌گیرد. محدود آثاری در این میان یافت می‌شوند که با متن‌های دیگر پیوند نداشته باشند و یا در آفرینش خویش کمتر نگاهی به میراث گذشته نداشته باشند. به نظر می‌رسد وی در نگارش سال‌های ابری به آثار نویسندگان روسی نیز توجه داشته است؛ پرداختن به مسئله طبقه کارگران، محرومان و فقیران جامعه رویکردهای وی در این رمان است که نشان می‌دهد با ادبیات داستانی سوسیالیسم پیوند داشته است و آثار این نویسندگان از جمله، ماکسیم گورگی به عنوان زبرمتن (اسطوره متن) مورد توجه درویشیان بوده است. پژوهش حاضر در همین راستا تلاش کرده است تا میزان تأثیرپذیری درویشیان-در نگارش رمان سال‌های ابری- از دیگر متن‌های داستانی را نشان دهد.

۲. پیشینه پژوهش

محققان و منتقدان بسیاری ابعاد گوناگون داستان و رمان‌های علی‌اشرف درویشیان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نقد و بررسی‌هایی در حوزه اندیشه، محتوا و سبک داستان‌نویسی نویسنده انجام گرفته است. اما در خصوص بررسی بینامتنی در رمان سال‌های ابری درویشیان به صورت جدی کار مستقلی صورت نگرفته است. از میان تحقیقاتی که در خصوص بینامتنیت انجام شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مرتضایی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ادبیات تطبیقی از منظر رویکرد بینامتنی: بررسی موردی فیلمنامه گاو و نمایشنامه کردگن» نمایشنامه کردگن اثر اوژن یونسکو و فیلمنامه گاو اثر غلامحسین ساعدی را از منظر رویکرد بینامتنیت مورد بررسی قرار داده‌اند. فرضیه‌ای که در این مقاله بررسی می‌شود، این است که پژوهش بینامتنی، پژوهشی تطبیقی به شمار می‌آید.

صفری‌نیا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی بینامتنیت در آثار سیمین دانشور» به بررسی بینامتنیت در سووشون، جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که این سه رمان از جهاتی با هم شباهت دارند. برخی شخصیت‌ها، اصطلاحات و مضامین داستان‌ها مشترک است. همچنین نویسنده از حماسه، تاریخ، فلسفه، عرفان، هنر و... در آثارش بهره گرفته

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

است. سیمین دانشور روحیه‌ها، علایق و دغدغه‌های زنان ایرانی را در آثار منعکس می‌کند تا خواننده را با احساسات آنها بیشتر آشنا سازد.

کرمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل بینامتنی داستان مار و مرد سیمین دانشور» به تحلیل پیوند و ارتباط بین ادبیات معاصر فارسی به ویژه داستان کوتاه فارسی با میراث عظیم ادبیات فارسی پرداخته است. نتایج این پژوهش، بازگوکننده ارتباط وسیع داستان با متون مختلف همچنین عناصر مختلف فرهنگی است.

قلی‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بینامتنیت در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی» به تحلیل اشعار شفیعی کدکنی و مقایسه این اشعار با آثار شاعران نام برده، وجوه روابط بینامتنی را در آنها مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است. در مورد بینامتنیت در آثار مختلف سخنوران، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. همچنین از زوایه‌های مختلف به آثار درویشیان نگریسته شده ولی تا به حال از دیدگاه بینامتنیت به آثارش توجه نشده است، لذا پژوهش حاضر دارای جنبه نوآوری می‌باشد.

۳. تأثیر رمان مادر بر رمان سال‌های ابری

در ارتباط با سبک داستان نویسی درویشیان اشاره شد که سبک وی رئالیسم است از نوع رئالیسم سوسیالیستی که در پی خوانش آثار نویسندگان روسی به دست آمد. ماکسیم گورکی نیز از بنیانگذاران مانیفیست رئالیسم سوسیالیستی است که آثار، شخصیت، افکار و اندیشه‌هایش همواره مورد توجه نویسندگان ایرانی قرار گرفته است که علی‌اشرف درویشیان نیز از این حیث مستثنی نیست. قهرمان داستان زنی است به نام «پلاگی» که پس از مرگ شوهر مستبد و فاسد خود، به تدریج در فعالیت‌های پنهانی پسر نوجوانش «پاول» قرار می‌گیرد. پاول مدتی است که به مطالعه کتاب‌های ممنوعه روی آورده است و کلمات و شخصیتش شکل گرفته است. او رفته رفته رهبری کارگران شورشی را به عهده می‌گیرد و در این راه بارها دستگیر شده و به زندان می‌افتد. مادر در غیاب پسرش وظیفه پخش اعلامیه را به عهده می‌گیرد و نهایتاً در این راه کشته می‌شود. آخرین جمله‌ای که مادر به هنگام جان سپردن در ایستگاه قطار بر زبان می‌آورد این است که: حقیقت را نمی‌توان به دریای خون خاموش کرد.

۳-۱. تأثیرگذاری از نظر محتوا

موضوع اصلی داستان‌های گورکی را زندگی مردمان محروم و طبقات پایین اجتماع، به ویژه کولی‌ها، کارگران فصلی، بیکاران، روستاییان آواره در شهرها، و مردم بی‌چیز و تنگدستی تشکیل می‌دهند که تمامی وجودشان از نوعی خشم و اعتراض نسبت به شرایط اجتماعی و وضع موجود زندگی‌شان انباشته است. گورکی، به لحاظ نویسندگی میراث‌دار آن جریان ادبیات رئالیستی است که با گوگول و تولستوی قوام و استقرار یافت و در آثار چخوف، در قالب داستان کوتاه بسط و امتداد پیدا کرد. «رئالیست‌های اجتماعی، فقط به انتقاد از جامعه سرمایه‌داری پرداخته‌اند، اما رئالیسم سوسیالیستی، راه رسیدن به جامعه ایده‌آل (جامعه سوسیالیستی) را نیز نشان می‌دهد و به تصویر آن می‌پردازد» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۸: ۹۹).

یکی از متن‌هایی که به نظر می‌رسد به عنوان زبرمتن رمان سال‌های ابری قرار گرفته است، رمان «مادر» اثر ماکسیم گورکی است که از نظر سبکی (رئالیسم سوسیالیستی) پیوند غیرقابل انکاری با یکدیگر دارند. «مادر» که بیشتر یک رمان موقعیت به شمار می‌رود، عمدتاً به ترغیب مردم برای تشکیل توده‌ها در جهت فروپاشی پایه‌های سرمایه‌داری پرداخته است. مهمترین هدف نویسنده، آماده سازی شرایط مناسب برای اقشار جامعه برای ایجاد یک بستر انقلاب بر اساس ایده‌های سوسیالیستی است. نکته‌ای که در رمان سال‌های ابری نیز بدان توجه شده است و در بخش‌های داستان از این مبارزات طبقاتی و انقلاب کارگران سخن رانده شده است: «در خیابان شاپور کارگرها همه در صف‌های مرتب رو به بالا می‌روند. پرچم بزرگ ایران را یک کارگر قوی هیکل در دست دارد. پشت سر او یک نفر دیگر پرچم سرخی به دوش گرفته. بقیه کارگرها دست‌ها را به هم قلاب کرده‌اند و به پیش می‌روند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

دایی سلیم پیرهن سفید و تمیزی پوشیده و در صف دوم، دست‌هایش را در دست مردی قفل کرده‌است. در طرف راست دایی سلیم، ابراهیم زغالی با هیكل بلند و پنجه‌های سیاهش قدم برمی‌دارد:

-زنده باد اتحاد کارگران جهان.

پیروز و برقرار باد جشن اول ماه مه.

ناگهان از چهار راه اجاق عده‌ای با چوب و چماق و پنجه بکس حمله می‌کنند...» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۵۷۲، ۵۷۳).

«مادر» از نخستین آثار ادبیات کارگری یا «رنالیسم سوسیالیستی» به معنای واقعی است. وی با دقت یک جامعه‌شناس، واقعیت جامعه سرمایه‌داری قرن نوزدهم را نشان داده، در این کتاب جنبه‌هایی از واقعیت توصیف و تشریح شده است، آن جنبه‌هایی که به زندگی و مبارزات طبقه کارگر و توده‌های مردم مربوط می‌شود، گورکی مستقیماً به شرح مبارزه طبقاتی می‌پردازد:

«در شهرک گارگری همه در مورد اوراقی که در محله پخش می‌شد، صحبت می‌کردند. در این اوراق از مقرراتی که به کارگران تحمیل می‌شد و از اعتصابات پترزبورگ و جنوب کشور سخن گفته بود و این نشریه‌ها کارگران را به اتحاد و اتفاق نظر برای دفاع از منافع خود تحریک می‌کردند. به دقت مواظب جوش و خروشی بود که در کارخانه به راه افتاده بود؛ همه کارگرها هیجان زده به نظر می‌رسیدند، دسته‌هایی تشکیل شد از کارگاهی به کارگاه دیگر می‌دویدند. صداها تحریک شد. جوان‌ها بیشتر به هیجان آمده بودند. سرکارگران با حالت غمگین می‌رفتند و می‌آمدند. پاسبانان می‌دویدند تا سر و کله‌شان پیدا می‌شد، کارگران به کندی از هم جدا می‌شدند» (گورکی، ۱۳۸۲: ۷۱).

رمان «مادر» یک داستان واقعی براساس زندگینامه «آنا زالموا» است که در سال ۱۹۰۶ میلادی به نگارش درآمد. گورکی در این رمان، وظیفه اصلی خود را که تقویت روحیه مبارزه‌جویی و شور مبارزاتی کارگران و دعوت آنان به شرکت فعال در مبارزه برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری است به خوبی انجام می‌دهد و به خصوص در شرایط پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه این کتاب تاثیر زیادی در آگاهی بخشیدن به کارگران داشت:

«مادر رو به پرسش کرد و پرسید:

-خب حالا می‌خواهی چکار بکنی؟

-می‌خواهم یاد بگیرم و به دیگران یاد بدهم. ما کارگران باید درس بخونیم، باید بدونیم، باید بفهمیم که چرا زندگی این همه بر ما سخت می‌گذرد» (همان: ۲۶).

این رویکرد در رمان سال‌های ابری بارها بازتاب داشته است و دایی سلیم و شریف داوری‌شه به عنوان شخصیت‌های نمادین در طول رمان، اندیشه‌های سوسیالیستی را تبیین می‌کنند و این خط مش را تنها راه نجات طبقات فرودست می‌دانند:

«رفیق امروز خیر تأسف‌باری به دستمان رسیده، متأسفانه رهبر بزرگ پرولتاریای جهان، رهبر کارگران و زحمتکشان سراسر دنیا، پدر ستمدیدگان، رفیق ژوزف استالین در گذشته. ما به خاطر این فاجعه مصیبت‌بار به یاد رهبر عزیزمان یک دقیقه سکوت می‌کنیم.

حسین دخترخاله صدیق می‌دود تو حرف اکبر آقا

-رهبر ما مگر استالین است اوسا اکبر!؟

اکبر آقا که چشم سالمش درشت‌تر از چشم عاریه شده با پرخاش می‌گوید:

-بله رهبر و حامی تمام کارگران جهان رفیق استالین است.

دایی سلیم و آقا مرتضی با هم از جا بلند می‌شوند» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۶۹۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

افزون براین، هر دو نویسنده بر این باور هستند که خشونت‌های موجود در میان خانواده‌های فقیر ناشی از رویکرد نظام سرمایه‌داری است. مردان که توانایی تأمین معاش خانواده را ندارند و یا برای تأمین حداقلی مجبور به تحمل سختی‌های فراوان هستند، ناچار عقده‌های خود را بر سر اعضای خانواده به ویژه همسرانشان خالی می‌کنند و آنها را کتک می‌زنند:

«تا وقتی پدرم زنده بود، همیشه از دستش کتک می‌خوردی... مادر، من حالا می‌فهمم که او چرا غم و غصه‌هایی که ناشی از این زندگی نکبتی بود و داشت خفه‌اش می‌ساخت، سر تو خالی می‌کرد و خودش هم نمی‌دونست منشأ آن کجاست. سی سال تمام کار کرد؛ وقتی هم که شروع به کار کرد کارخانه دو دستگاه بیشتر نداشت و امروز هفت ساختمان! این کارخانه در حال پیشرفته ولی در ازای توسعه و پیشرفت آن، سالانه چه تعداد کارگر گشنه می‌شن» (گورکی، ۱۳۸۲: ۳۴، ۳۵).

در داستان درویشیان نیز اینگونه است:

«عصری... عصری... صبر داشته باش. امروز حتماً کار پیدا می‌کنم.

– فردا.. فردا... طاقت داشته باش.

و فردا هم..

– عصری... عصری... ای زن چقدر بی‌طاقتی.

نه با ترس جواب می‌دهد:

– شکم بچه‌ها بی‌طاقت است به خدا، نه من.

من می‌دانم که این بگومگوها ادامه دارد. عصرها و فرداها خواهد آمد. آبشوران همچنان با آ سیاه و غلیظش نفس می‌کشد و می‌گذرد و بابام هی وعده عصر و فردا را می‌دهد. مگر عمر یک انسان چند تا عصر و فردا دارد. چندان؟ کی این عصرها و فرداها تمام می‌شود؟ کار به کتک کاری می‌کشد. بابام دیگر آن آدم مظلوم نیست. چشمانش سرخ می‌شود. گیسوی نه نه را دور مچ خود می‌پیچاند و او را به دنبال خود دور کرسی می‌گرداند...» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۴۰۲).

گورکی و علی‌اشرف درویشیان زندگی بسیار پر ماجرائی داشتند، در ایام کودکی و نوجوانی، هر دو نفر آنها دائماً به دنبال کار از این مغازه به آن مغازه می‌رفتند. کورگی مدتی شاگرد نانوائی و کفاشی بود، بعد به ماهیگیری پرداخت، نگهبان راه‌آهن شد، در بندر «ادسا» به باربری پرداخت و بسیاری از کارهای دیگر. درویشیان نیز اینگونه است؛ کارگری ساختمان، دست‌فروشی، شاگرد مغازه، شاگرد مکانیکی و... مشاغلی بوده که در دوران کودکی و نوجوانی بدان پرداخته‌است. در نتیجه ذهن آنها انباشته از خاطرات زنده از آدم‌های مختلف به خصوص کارگران و زحمتکشان بود. بعداً آنها از همین خاطرات در نوشته‌های خود استفاده کردند و سرگذشت این افراد را باز گفتند و از همین رو آثارشان بسیار زنده و پر تحرک است. افزون براین، باید اشاره کرد که محتوای هر دو داستان، درویشیان و گورگی را به عنوان برجسته‌ترین خاطره نویس و چهره پرداز معرفی می‌کنند اما صرفنظر از خاطرات آنها، داستان‌هایشان نیز بخاطر تأثیر زیادی که در آگاهی بخشیدن به کارگران و زحمتکشان داشته‌اند، از ارزش زیادی برخوردارند.

۳-۲. تأثیر گذاری از نظر شخصیت

در هر دو داستان مخاطب با تیپ‌ها - نه با شخصیت‌ها- مختلفی روبرو می‌شود. گورکی و درویشیان در آثار خود چهره‌هایی را از میان انبوه مردمی که با آنها زندگی کرده‌اند انتخاب می‌کنند و بدون آنکه پر گوئی و توضیحات اضافی بدهد با یک تو صیف فشرده از آنها شخصیت‌هایی زنده و فراموش نشدنی می‌سازند.

میخائیل ولاسف، پلاگی، پاول ولاسف شخصیت‌های اصلی رمان مادر هستند که با قرار دادن آنها در کنار شخصیت‌های بوجان، نه نه و شریف داوریشه می‌توان آنها را معادل همدیگر قرار داد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

میخائیل و بوچان، هر دو پدر خانواده هستند که به نوعی قربانی وضعیت آشفته اقتصادی و سلطه نظام بی‌رحم سرمایه‌داری هستند. هر دوی آنها در طول داستان نیز کارکردی نمادین دارند و می‌توان گفت نمادی از دیکتاتوری و خشونت مردسالاری هستند. از این روی چهره پدر در هر دو داستان، چهره مثبتی نیست و به گفته جاهد: «پدر غول بی‌شاخ و دمی است که هم مادر و هم بچه‌ها از وی می‌ترسند» (غفاری جاهد، ۱۳۸۶: ۱۰۴). به عنوان مثال نگاه شود به متن داستان سال‌های ابری با این رویکرد: «تا بابام به خانه می‌آید ما همان طور خشکمان می‌زند. دهنمان را می‌بندیم. اگر چیزی تو دهنمان داشته باشییم زود قورتش می‌دهیم یا همان طور بی‌حرکت می‌مانیم.

من خیلی از بابام می‌ترسم. همیشه اخمو و گرفته است و...» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۳۳).

همچنین نگاه شود به متن رمان مادر با این رویکرد شخصیت‌پردازی که تصویر منفی از میخائیل (پدر خانواده) ارائه می‌کند: «میخائیل ولا سف قفل ساز، مردی مغموم و گرفته با چشمانی کوچک و تیز که حاکی از بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به این روزگار بود، در چنین وضعی زندگی می‌کرد. او هر روز یکی را به باد کتک می‌گرفت به همین خاطر همه از او می‌ترسیدند و نزد هیچ کس محبوبیت و مقبولیتی نداشت» (گورکی، ۱۳۸۲: ۲۱).

پلاگی و ننه هر دو مادر هستند، شخصیتی مهربان، دلسوز و قانع که نگران آینده فرزندان‌شان هستند. آنها نمی‌خواهند، پسران‌شان، آینده‌ای همچون پدرانشان داشته باشند، از این‌رو، این مسأله را به آنها گوشزد می‌کنند.

آغاز رمان «مادر»، پلاگی موجودی است ضعیف و توسری خور و مظلوم که دائماً از شوهر دائم‌الخمر کتک می‌خورد و زور می‌شود و هیچ نمی‌گوید. پس از مرگ شوهر، پسرش «پاول» نیز که کارگر کارخانه است می‌خواهد به راه پدر برود و مستی و می‌خواری کند. مادر با گریه و تضرع به او گوشزد می‌کند که نان آوری جز او ندارد و لاقل به مادرش رحم کند: «غباری از غم و اندوه بر چهره پرچین و چروک مادر دیده می‌شد و چشمان محزون و نگرانش می‌درخشید. برف سپید پیری بر گیسوان انبوهش نشسته بود. او زنی بود صبور و مقاوم.

تو نباید مشروب بخوری! پدرت به جای تو هم خورده و مرا هم به قدر کافی اذیت کرده... تو باید به من رحم کنی...» پاول به این سخنان غم‌انگیز که از روی تسلیم و توکل بود گوش می‌داد و به یاد زندگی ساکت و خاضعانه این زن افتاد که همیشه از جانب شوهرش انتظار کتک داشت» (گورکی، ۱۳۸۲: ۲۶، ۲۷).

تقاضای مادر در پاول بی‌تأثیر نیست، اما تغییرات اساسی موقعی در او پیدا می‌شود که با چند کارگر آگاه آشنا می‌شود و به یک محفل کارگری سیاسی راه پیدا می‌کند، البته مادر اطلاعی از این موضوع ندارد و تنها می‌بیند که پسرش دارد کم‌کم از جوانان هم سن و سال خودش فاصله می‌گیرد. او دیگر به شب‌نشینی نمی‌رود و حتی روزهای تعطیل هم مست نمی‌کند، رفتارش جدی و سنگین می‌شود، در خانه کارهایش را خودش می‌کند و می‌کوشد از زحمت مادر بکاهد، در ضمن در خانه شروع به خواندن کتاب هم می‌کند و مجموع این رفتارهای غیر عادی، مادر را کنجکاو و نگران می‌کند. پاول به او توضیح می‌دهد که این کتاب‌ها ممنوع و قدغن است چون حقیقت زندگی را برای آدم‌های فقیر روشن می‌کند و اگر آن کتاب‌ها را پیدا کنند او را حبس خواهند کرد.

مادر که پس از مرگ شوهرش و با تغییر رفتار پاول بشدت به پسر خود علاقمند شده است در اینجا چنین تصور می‌کند که باز بدبختی جدیدی دارد به سراغ او می‌آید و رفتار مشکوک پسرش دست کمی از دائم‌الخمر بودن شوهرش ندارد. تصور می‌کند که سرنوشت او همیشه با بدبختی و اضطراب توأم خواهد بود و هیچ راه‌گریزی ندارد و این بیانگر دلهره‌ها، اضطراب‌ها، گریه‌ها و تضرع‌های همیشگی مادران است که در داستان سال‌های ابری نیز بارها بیان شده است:

«ننه که ما را پکر و ماتم‌زده در گوشه اتاق می‌بیند، دلش می‌سوزد و می‌زند زیر گریه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

-روله، آخر چرا با این کارها اذیت می‌کنید، آخر، شب جواب آن پدرسگ را چه بدهم.

پدر سگ، پدرمان است. ا س می که ننه هر وقت ع صبانی بشود پشت سر به او می‌گوید. ما هم با ننه می‌زنیم زیر گریه. ننه با گریه می‌گوید: به خدا دیگر دستمال خشک در خانه‌مان نمانده. بس که گریه کرده‌ام. صورتش را با پر چادرش خشک می‌کند. زانوها را بغل می‌گیرد و مثل لولو خود را تکان می‌دهد» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۳۸۲).

همچنین شریف داوریشه و پاول ولاسف نیز معادل‌های فراوانی میان این دو شخصیت اصلی وجود دارد. پاول و شریف داوریشه در جوانی به مبارزات پنهانی انقلابی گرایش پیدا می‌کنند و در این مسیر، متحمل انواع و اقسام شکنجه و زندان می‌شوند، اما دست از مبارزه نمی‌کشند و ندای عدالت سر می‌دهند. این دو شخصیت مبارز راه حقیقت و آزادی هستند. پاول و شریف داوریشه به عدالت و آزادی اعتقاد دارند و فکر می‌کنند که یگانه راه مبارزه با جهل و ظلم، انقلاب و شورش است.

۴. تأثیرگذاریرمان ژرمینال در رمان‌های ابری

هر چند ردپای نویسندگان سوسیالیسم روسی و اروپای شرقی در داستان‌های نویسندگان کرمانشاهی (یاقوتی و درویشیان) بسیار پرنگ و برجسته‌است. اما نباید از تأثیرگذاری نویسنده‌ای همچون امیل زولا بر ادب داستانی ایران، غافل بود. وی با وجود آنکه تعلق به فرانسه دارد، ولی در کنار همتای خویش، ویکتور هوگو در نوشته‌هایش به فرودستان و طبقات پایین جامعه می‌پردازد.

ژرمینال یکی از آثار داستانی امیل زولا است که داستان اعتراض و اعتصاب کارگران یک معدن در شمال این کشور در سال‌های ۱۸۶۶ و ۱۸۶۷ است. رمان از آنجا آغاز می‌شود که جوانی به نام «اتی‌ین لاتتیه» پس از اخراج از یک کارگاه در شهر لیل، در شمال فرانسه بیکار شده و برای یافتن کار به منطقه معدن خیز مونسو در همان شمال فرانسه می‌رود. اما در بدو داستان پیرمردی ارابه‌ران به او می‌گوید: «این طرفا روزگار مردم سیاسی. کارگرا رو دست‌ه دست‌ه مرخص می‌کنن. کارگاها یکی یکی بسته می‌شه. شاید هم امپراتور تقصیری نداشته باشه. اما آخه مگه بیکار بود بره آمریکا بجنه؟ حالا دیگه به تیکه نون خالییم گیر مردم نمی‌آد. چیزی نمونده که همه کاسه گدایی دست بگیرن و سر به صحرا بذارن.» (زولا، ۱۳۸۴: ۱۸).

اتی‌ین لاتتیه در خانه یکی از کارگران به نام گیوم ماهو ساکن می‌شود و به یکی از دختران او به نام کاترین دل می‌بازد. زمانی که به دنبال بحران اقتصادی، شرکت صاحب معدن تصمیم می‌گیرد دستمزد کارگران را کاهش دهد، لاتتیه کارگران را به اعتصاب تشویق می‌کند. در جریان درگیری کارگران معترض با سربازان، گیوم ماهو کشته می‌شود. وقتی اعتصاب‌کنندگان تصمیم می‌گیرند به کار بازگردند، یک کارگر آثار شیه‌ست، دست به اقدامی خرابکارانه می‌زند و با ریزش معدن چندین کارگر کشته می‌شوند. کاترین هم که همراه با اتی‌ین لاتتیه زیر آوار معدن گرفتار شده، پیش از رسیدن نیروهای کمکی جان می‌سپرد ولی لاتتیه از این آوار جان سالم به در می‌برد و تصمیم می‌گیرد که برای فعالیت در سندیکاها کارگری و بهبود شرایط زندگی کارگران به پاریس برود. در پایان رمان، کارگران گرچه مجبور به پذیرش شرایط جدید هستند، اما بر ظلمی که به آنان می‌شود آگاهند و به پیروزی قریب‌الوقوع خود ایمان دارند.

۴-۱. تأثیرگذاری از نظر محتوا

یکی دیگر از داستان‌های که پیش از آفرینش سال‌های ابری درویشیان به نگارش درآمده است، رمان ژرمینال است که به ۱۸۸۵ میلادی در فرانسه منتشر شد. نگاهی به محتوای این اثر داستانی، نشان می‌دهد که پیوند و ارتباط فراوانی با رمان‌ها و داستان‌هایی که بعد از آن در زمینه ادبیات کارگری خلق شد، دارد. سال‌های ابری نیز یکی از آثار داستان است که بخشی از آن به کارگران و مصائب آنان پرداخته است، از این رو، اعتقاد بر آن است که ژرمینال امیل زولا نیز توانسته است به عنوان یکی دیگر از زبرمتن‌های سال‌های ابری درویشیان قرار گیرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

رمان و واقعیت‌های اجتماعی گاهی آینه‌وار بازتاب‌دهنده یکدیگرند، حتی اگر در دوره‌های متفاوت تاریخی ظاهر شوند. کارگران در طول تاریخ برای احقاق حقوق خود مبارزه کرده‌اند و با وجود تفاوت‌های مبارزاتی که متناسب با شرایط اجتماعی-تاریخی شان است، اما شباهت‌ها دارند: اجتماع و مشورت و اعتراض کارگران در مراحل آغازین، تصمیم به اعتصاب، چگونگی اعتصاب، پیروزی‌ها و لبخندها، شکست‌ها و اشک‌ها، خیانت‌ها و تفرقه‌اندازی درون تشکل‌های کارگری و زندان و جفای مضاعفی که بر پاره‌ای از کارگران وارد می‌شود، همه این موارد در جنبش‌های کارگری از جمله در جنبش کارگری ایران به چشم می‌خورد که گاه در قالب رمان بازگویی می‌شود گویی تجربه‌ایست مکرر.

برای نوشتن چنین رمانی، علاوه بر شم ادبی و قلمی توانا، باید چشم‌هایی باز و گوش‌هایی شنوا داشت و همه پیشینه‌ها، اسناد و اخبار را جمع‌آوری کرد؛ دقیقاً همان کاری که امیل زولا، نویسنده فرانسوی برای نوشتن رمان «ژرمینال» انجام داد. زولا به بطن حادثه رفت و علاوه بر شنیدن سخنان رسمی، با تک تک کارگران معترض گفت‌وگو کرد و به درددل آنان گوش سپرد. و آنها را بر صفحه کاغذ آورد:

«لایه‌ها رفته رفته پر می‌شد. در هر طبقه در ته هر دالان جنب و جوشی شدید سینه کار را فرا می‌گرفت. چاه آدمخوار جیره هر روزی خود را از گوشت آدمیزاد بلعیده بود. نزدیک هفته صد نفر کارگر در آن ساعت رنج روزانه خود را در این مورلانه عظیم آغاز کرده بودند و زمین را همچون کرم در چوبی پوسیده از هر سو می‌کنند و سوراخ می‌کردند و در این سکوت سنگین، زیر فشار این لایه‌های عظیم خاک اگر گوش بر سنگ می‌گذاشتی می‌توانستی جنبش دامنه دار این حشرات انسان نما را ضمن تلاش خود از صعود و هیبوط برق آسای کابل آسانسور گرفته تا گزش نیش تیشه هاشان که زغال را از درون احشاء خاک می‌کنند بشنوی» (زولا، ۱۳۸۴: ۴۴).

معدن همچون موجود زنده‌ایست که گوشت و خون کارگران را می‌مکد و زغال بالا می‌آورد... معدن جایگاهی برتر از یک موجود زنده دارد:

«خداپواره سیری که آنجا کمین کرده بود و ده هزار نفر گرسنگی زده بی آنکه او را ببینند گوشت تن خود را نثارش می‌کردند» (همان: ۸۰).

و برای سهامدارانش هم، چنین جایگاهی دارد:

«...این خداپواره ولینعمت کانون خانواده بود و آنها را در بستر نرم و بزرگ رخوتشان به نرمی تکان می‌داد و بر سر خوانی رنگین چاق می‌کرد» (همان: ۸۸).

نویسنده به خوبی و با دقت زندگی پر رنج و غم کارگران و بدبختی آنها را نشان می‌دهد و تلاش آنها را برای گرفتن حق خویش در قالب اعتصاب‌هایی که روی می‌دهد به تصویر می‌کشد:

«کارگران سراسر جهان با گرایش‌های یکپارچه به عدالت و برابری با یکدیگر متحد می‌شدند و گند نفس‌های بورژوازی را از صفحہ زمین می‌زدودند و جامعه‌ای آزاد بر پا می‌کردند که در آن فقط کسی که کار می‌کرد، نان می‌خورد. رنجبران از همه سو به آنان ملحق می‌شدند، هرگز هیچ آیین نوینی این همه پیرو پیدا نکرده بود. اعتصاب سلاحی بود که سودآوری سرمایه را مختل می‌ساخت و در چنین شرایطی اتحادیه بین الملل کارگری برای اعتصاب کنندگان یاور بزرگ بود. اتحادیه بین الملل کارگران دست از حمایت اعتصاب کنندگان بر نمی‌داشتند. کارگران به سپاه عظیم رنجبران می‌پیوستند و مصمم بودند که در راه یکدیگر جانفشانی کنند و بردگان اجتماع نباشند» (همان: ۲۶۶).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تاختن به سرمایه‌داری و مضرات آن از گام‌های رو به جلوی جریان چپ فکری بود. روی دیگر توصیف فقر و سختی زندگی کارگری، دشمنی آشتی‌ناپذیر کارگر با طبقه مالک و تشویق او به اعتراض و قیام ضد نظام سرمایه‌داری بود. این آثار به قصد ترغیب کارگران برای مقابله با مناسبات ضدانسانی سرمایه‌داری خلق شده بودند. علی‌اشرف درویشیان که گرایش به جریان‌های چپی دارد، این رویکرد را در داستان‌هایش نشان داده‌است. آنچه در روزها و هفته‌ها در کمپانی گذشت، دست‌مایه‌ای شد تا درویشیان در رمان سال‌های ابری بدان بپردازد؛ از شروع اعتراض و اعتصاب کارگران کمپانی، بازداشت کارگران و شعارهایی که سر داده شد تا آزادی نماینده معترضان و قول‌های مسئولان به کارگران و اخراج بعضی از آنان.

«روز اول هزار و پانصد نفر دست از کار کشیدند و در اعتصاب شرکت کردند، اما روزهای بعد در اثر تهدیدهای رئیس شرکت و فشار پلیس یواش یواش آب رفتند و غیبتشان زد. یکی از کارگرها به اسم ماهی خان اهل فیض آباد وقتی دید که اغلب کارگرها از زیر اعتصاب فرار می‌کنند، یک روز از پشت سیم‌ها سگی را گرفت و کشان‌کشان آورد. رفت روی یک بلندی. سگ را سر دست بلند کرد و گفت: هر کس دست از اعتصاب بکشد و خیانت بکند و برود سر کار، پدر و مادرش به جای این سگ است. این همه خفت و گر سنگی کشیده‌ایم دیگر بس است. بیایید حقم را بگیریم. تازه مگر ما چه می‌خواهیم! فقط یک وعده غذا در روز و هر پانزده روز مقداری گندم برای سیبیر کردن شکم گرسنه زن و بچه‌ها مان» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

همچنین نگاه شود به مثال زیر:

«همه کارگرها قسم خوردند که دست از مبارزه برندارند. کارگرهای یهودی و ارمنی هم به کتاب خود شان قسم خوردند. پس از آن همگی دست‌ها را به قلاب کردیم و به طرف استانداری رفتیم. استاندار آمد تو بالکن استانداری و شروع کرد به بد و بیراه گفتن به کارگرها. استاندار گفت که همه شما آشوب طلب و عامل بیگانه‌اید. بروید گم شوید. همه با هم از استانداری راه افتادیم سراب سید. در آنجا مردم برای ما نان و پنیر آوردند. خیلی گرسنه بودیم. نشستیم به خوردن. بعد از ظهر برگشتیم به کمپانی و پشت سیم‌ها ایستادیم. خبر به گوش مستر رابینسون رسید و او دستور داد که در کمپانی را قفل بزنند و پلیس حق عبور به هیچ کس ندهد» (همان ۱۷۹).

در واقع، زولا و علی‌اشرف درویشیان در ژرمینال و سال‌های ابری نشان می‌دهند که در یک جامعه ناعادلانه، چگونه مشکلات کارگران به طور خاص و فقر و فلاکت به طور عام، از یک نسل به نسلی دیگر منتقل می‌شود:

«این کار تبارشان بود. مثل هر کار دیگری پدر در پدر ادامه داشت» (زولا، ۱۳۸۴: ۴۹۸).

در داستان‌های درویشیان این رویکرد فکری در قالب ضرب‌المثل‌های که در داستان به کلر گرفته شده‌است، بیان می‌شود:

«سهم خر یا آب کشی است، یا هیزم کشی است» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۳۳۲).

همچنین در مثال زیر دقت شود:

«سوار همیشه سوار است و پیاده همیشه پیاده» (درویشیان، ۱۳۷۹: ۲۸۰).

در پایان این بخش باید تأکید کرد که این دو رمان ژرمینال پیش از آنکه اهمیت ادبی داشته باشند، زاده یک شرایط خاص سیاسی و اجتماعی هستند. حال این شرایط سیاسی و اجتماعی خاص در فرانسه و به طور کلی اروپا، زودتر نمایان شد و منجر به آفرینش ژرمینال شد و در ایران با تأخیر چند دهه‌ای ظهور پیدا کرد، طبیعتاً اثر درویشیان نیز سال‌ها بعد از ژرمینال خلق می‌شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتیجه

سال‌های ابری اثر پرچم علی اشرف درویشیان یکی از آثار داستان معاصر است مه در خلق و آفرینش آن متن‌های متعددی دخالت داشته‌اند که با توجه به م‌شرب سیا سی (گرایش به احزاب توده) درویشیان، نقش متن‌های نویسنده‌گان شرق اروپا که عمدتاً تفکرات سوسیالیستی داشتند از دیگر متون برجسته‌تر است.

رمان مادر اثر ماکسیم گورکی که در جایگاه مانیفیست رئالیسم سوسیالیستی قرار دارد و تمام نویسندگان چپ در نگارش آثار خویش عنایت ویژه‌ای به این اثر داشته‌اند، متن دیگری است که با رمان سال‌های ابری پیوند دارد. محتوای اثر که در آن به زندگی فرودستان و کارگران می‌پردازد، ارتباط قابل توجهی با حوادث و رویدادهای سال‌های ابری دارد. تشابه شخصیت پاول با شریف داوریشه که هر دو مبارز و انقلابی هستند از دیگر پیوندهای دو متن است.

افزون بر نویسندگان روسی، امیل زولای فرانسوی نیز از جمله نویسندگانی است که رمان ژرمینال وی نقش قابل توجهی در ادبیات کارگری ایران دارد. بیان مبارزات کارگری و دفاع از حق و حقوق کارگران نمونه‌ای از ارتباط و پیوند آن با رمان سال‌های ابری است.

منابع

- درویشیان، علی اشرف (۱۳۷۹). سال‌های ابری، تهران: چشمه
- زولا، امیل (۱۳۸۴). ژرمینال، ترجمه احمد شاملو، تهران: چشمه.
- سلدن، رمان و پیتر ویدوسون (۱۳۷۸). راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح پویا.
- شکری پور، مختار (۱۳۹۶). «م‌صاحبه منت ش‌ر ز شده درویشیان: لباس واقعیت به داستان پو شاندم»، روزنامه ایران، شماره ۲۷۸۲۷۵، صص ۱۳-۱۴.
- غفاری جاهد، مریم (۱۳۸۶). گذری بر سال‌های ابری، تهران: شالان، پرسمان.
- گورکی، ماکسیم (۱۳۸۲). مادر، ترجمه علی اکبر سروش، تهران: هیرمند